ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
یک شنبه • ۲۸ مرداد ۱۳۹۷
۷ ذی الحجه ۱۴۳۹ • ۱۹ آگوست ۲۰۱۸
شماره ۱۹۸۹۵
۱۱۱۸

زندگی سلام

تحلیل شرایط کودکان در گیر با اینستاگرام
که قربانی خودخواهی والدین خود هستند

تمرین شاخ بودن از کودکی

یکی دو روز قبل، ویدئویی از «آرات» کوچولو، پسر پنج ساله بابلی در حال انجام تمرینات ورزشی، زیر آفتاب داغ، با بدن برهنه و روی زمینِ گل آلود منتشر شد که نشان می داد این کودک برای شکل دادن به عضلات بدنش، بی وقفه تمرین و حتی گریه می کند! کپشن هم به اندازه خود ویدئو عجیب بود: «اشک های آرات برای داشتنِ سیکس پک!» این روزها بیشتر مردم ایران، «آرات» کوچولو را که نابغه ژیمناستیک و آکروبات خوانده می شود، می شناسند. پسر کوچولویی با یک و نیم میلیون فالوئر که با حرکات هنرمندانه اش خیلی زود مورد توجه مردم قرار گرفت. پدر آرات با ساخت صفحه ای در اینستاگرام، قدم اول را برای شهرت او برداشت. اما قدم بعد را کاربرانی برداشتند که در اینستاگرام صفحه او را دنبال کردند و این گونه، ظرف مدت کوتاهی آرات کوچولو به شهرت رسید و حالا با دعوت به برنامه های تلویزیونی در خارج از مرزهای کشور، آوازه نابغه پنج ساله ایرانی به سطح جهانی رسیده است. شاهکار آرات در چین! هنرنمایی آرات در استرالیا! اجرای آرات، پسر عنکبوتی در آمریکا! و همه این ها در حالی است که این بچه، هنوز به سن مدرسه هم نرسیده است؛ یعنی هنوز آن قدر کوچک است که بنابر استانداردهای معمول، آمادگی و توانایی یادگیری الفبا را هم ندارد و باید فقط سرخوش و بی خیال، بازی کند. انتشار عکس و ویدئوهای این چنینی از کودکانی که جدی تر از بزرگ سالان در حال تلاش برای رسیدن به یک هدف یا مهارت هستند یا کودکانی که به خواست و انتخاب بزرگ ترها، در اینستاگرام مشهور و محبوب می شوند و در برخی موارد این محبوبیت به کسب درآمد والدین منجر می شود، ما را با این سوال مهم مواجه می کند که: «آیا والدین حق دارند به هر دلیل، حتی خیرخواهی، از موقعیتِ ضعف و تسلیم و رضایتِ بچه ها سوءاستفاده کنند و آن ها را در مسیری بیندازند که هر چه هست، مسیر کودکیِ معمول نیست؟» پرونده امروز زندگی سلام، قرار است به تحلیل موقعیت سه دسته از کودکان امروز بپردازد: شاخ های دنیای واقعی شبیه آرات، شاخ های فضای مجازی شبیه پانیذ کوچولوی عاشق گیلاس و کودکان معمولی زیادی که به واسطه خواست والدین شان، دانسته یا ندانسته در اینستاگرام صفحه دارند و قرار است خاطرات کودکی شان در فضای مجازی، ثبت شود.

درباره کودکانی که تحت فشار و تشویق والدین، از سرخوشی و رهاییِ بچگی باز می مانند

از جان فرزندانمان چه می خواهیم؟

الهه توانا

این روزها تبی به جان پدر و مادرهای جوان افتاده که روز به روز داغ تر می شود و فضای مجازی هم به بالا گرفتن اش، دامن می زند؛ تب «بچه من شاخ تره»! تفکر فرزند به مثابه امکانی برای تحقق آرزوهای دست نیافته، از سال ها پیش در جامعه ما مرسوم بوده است؛ بچه هایی که مجبور می شده اند دکتر و مهندس بشوند چون والدین شان به هر دلیلی از پسش برنیامده اند. بچه های نسل های گذشته که چنین جبری را تحمل کرده اند اما نسبت به بچه های امروزی به مراتب خوشبخت تر بوده اند چون دست کم امکان کودکی کردن را از دست نمی دادند و فقط در سال های منتهی به کنکور و دانشگاه، درگیر جنگی ناخواسته می شدند. پدر و مادرهای امروزی، به اشتباهِ نسل های قبلی پی برده اند و می دانند جهت دادن به فرزندشان در نوجوانی، برای افتادن در مسیر دلخواه آن ها کار راحتی نیست و با آموزه های روان شناسیِ مدرن هم نمی خواند، پس بهتر است از همان کودکی روی فرزندشان سرمایه گذاری کنند؛ حالا یا بنا بر باورِ «فرزندم، ادامه تکمیل یافته من است» یا با توجیهِ استعدادیابی و مهیا کردن امکانات رشد. والدین امروزی، باقرار دادن فرزندشان در فشار منگنه آموزشی، نه تنها به جای او تصمیم می گیرند که تنها شانس رهایی و آرامش خیال را هم از او سلب می کنند. بچه ها بیش و پیش از دانستن زبان دوم و سوم و تسلط به موسیقی و مهارت در ورزش و هنر، به بازی و تفریح و تجربه بی قید زندگی نیاز دارند؛ نیازی که هیچ وقتِ دیگر، فرصت پاسخ دادن به آن را نخواهند داشت.

بچه ها اما الان متخصصانِ کوچکی هستند که خیلی زود فشار و استرس یادگیری و رقابت و به نمایش گذاشتن خود و مورد آزمون قرار گرفتن را تجربه می کنند چون والدین شان دوست دارند همه بدانیم «که به چندین هنر آراسته اند». فضای مجازی هم به کمک این تب آمده است تا والدین در کنار حظ از توانایی های فرزندشان در مهمانی ها و دورهمی ها، ویترین عمومی تری هم در اختیار داشته باشند؛ اینستاگرام پر است از ویدئوی بچه هایی که به زبان انگلیسی بلبل زبانی می کنند و شعرهای سخت و طولانی از حفظ اند و مثل یک ورزشکارِ حرفه ای تمرین می کنند. علاقه افراطی پدر و مادرها به لایک گرفتن و تثبیت تصویر خودشان به عنوان والدینِ آگاه آینده نگر به علاوه میل شان به ساختن و اعمال کنترل بر همه جزئیات زندگی آینده فرزندشان، کوبیدن بر طبل خاموشی است که فردا صدایش درمی آید؛ نسلی اشباع شده از آموزش و دلزده از یادگیری و تشنه شیطنت و کودکی که ناچار است به انتخاب های از پیش تعیین شده برایش تن بدهد چون دیگر رمقی برای انتخاب مسیرهای جدید برایش باقی نمانده و به محدوده معین از سوی والدینش خوش بین و مطمئن است؛ همان چیزی که خیال پدر و مادرها را راحت می کند اما لزوما همان چیزی نیست که فرزندشان برای آن ساخته شده است.

درباره بچه هایی که بدون آن که بدانند «شاخ» فضای مجازی شده اند و والدین شان را پولدار می کنند

شاخ های کوچولوی اینستاگرام!

هر چند تعداد زیادی آدم بی هنر و نادان در فضای مجازی و به خصوص اینستاگرام وجود دارند که برای خودشان یک پا سلبریتی اند و با استفاده از جذابیت های ظاهری، مشغول کسب درآمد هستند اما متاسفانه افرادی وجود دارند که همان اندک مایه گروه قبل را هم ندارند تا با اتکا به چهره و ظاهر خودشان پول در بیاورند؛ پدر و مادرهایی که با درست کردنِ پیج برای بچه های معصوم و از همه جایی خبرشان، کسب درآمد می کنند. ظاهر قضیه بچه خوشگل و خوش لباسی است که مادر و پدر مهربانش مرتب برایش لباس های شیک و هدیه های گران قیمت می خرند؛ مدام دکور اسیون اتاقش را عوض می کنند و برایش جشن تولدهای مفصل می گیرند. واقعیت اما پدر و مادرِ کاسب کاری است که از فروشگاه های لباس و لوازم کودکان مبالغ هنگفتی دریافت می کنند؛ بچه بیچاره شان را هر روز به رنگ و لعابی درمی آورند و با عکس گرفتن های متعدد در آتلیه ها خسته و کلافه اش می کنند تا عکسی که قرار است نام فروشنده به آن سنجاق شود، خوب از آب دربیاید. درنهایت هم با دریافت کلی لایک و کامنت، برچسب پدر و مادرِ مهربان دریافت می کنند تا ذره ای دچار عذاب وجدان نشوند.

مدلِ پنج ساله

صفحه متعلق به دختر کِ پنج ساله ای است با حدود ۲۶۰ هزار فالوئر. در پست های ابتدایی، دخترک بانمکی را می بینید با عکس های معمولی. در پست های بعدی اما مدل خردسالی را می بینید با ژست های حرفه ای که یعنی از یک جایی به بعد پدر و مادر متوجه ظرفیت فرزندشان شده اند و صفحه پر شده است از تبلیغ مزونِ لباس و تاج و گل سر و طراحی اتاق کودک. به پیج این مدلِ کوچولو که توسط مادرش، یا شاید بهتر است بگویم مدیر برنامه اش اداره می شود، دایرکت می دهم تا بدانم هزینه تبلیغ یک فروشگاه لباس بچگانه در صفحه اش چقدر است. جواب می دهد: «من هزینه تبلیغ نمی گیرم. فقط پیج هایی رو که زحمت می کشن و اسمون لباس می فرستن معرفی می کنم». بد هم نیست؛ این طوری بچه هم مستقل بار می آید و برای داشتن لباس های قشنگ و رنگ و وارنگ به پدر و مادرش فشار نمی آورد!

پرنسس کوچولو، کمک خرجِ خانواده

«نون» هم یکی از پرنسس های کوچکِ دنیای مجازی است که حدود ۳۰ هزار تا فالوئر دارد؛ «نون» البته هنوز دو ساله است و می تواند امیدوار باشد وقتی بزرگ تر شد دنبال کننده های بیشتری داشته باشد. لباس و تِل و تاج و حتی دمنوش و تابلوفرش بعضی از تبلیغاتِ صفحه این دختر دو ساله است. وقتی از مادر درباره هزینه تبلیغ در پیج دخترش می پرسم، می گوید: «برای تبلیغ محصولات بچگانه هزینه ای نمی گیرم». می پرسم به جای پرداخت هزینه باید در ازای تبلیغ محصولات را برایتان ارسال کنیم؟ جواب می دهد: «در ازای تبلیغ که نه! فقط من چون تبلیغ مستقیم نمی ذارم، محصول باید ارسال بشه که عکسش رو با دخترم بذارم». بعد هم بلافاصله شماره همراهش را می فرستد.

بچه های زیبا، والدینِ سوءاستفاده گر

تعداد بچه هایی که این روزها فضای مجازی را قرق کرده اند اگر از شاخ های بزرگ سال اینستاگرام بیشتر نباشد، کمتر نیست. همه شان هم «پرنسس» و «شاهدخت» و «شاهزاده» و «دردانه»! یکی توی ویدئوها شیرین زبانی می کند، یکی توی آتلیه های مختلف شهر ژست های عشوه دار می گیرد و یکی هم می شود «سوپر مدل تبلیغاتی» که در موزیک ویدئوها و برنامه های تلویزیونی بازی می کند و عکسش می رود توی ژورنال پوشاکِ بچه ها و از اینستاگرام به عنوان فضایی برای تبلیغ کارش استفاده می کند، البته خودش که نه پدر و مادرش. پدر و مادری که نمی دانند با این کارها فرصت کودکی کردن و تفریح و بازی را از فرزندانشان می گیرند؛ همچنین با تأکید بیش از حد روی چهره فرزندشان، آن ها را با این تصور بزرگ می کنند که تنها ارزش وجودی شان، زیبایی صورت است و بس!

ظاهر قضیه بچه خوشگل و خوش لباسی است که مادر و پدر مهربانش مرتب برایش لباس های شیک و هدیه های گران قیمت می خرند و مدام دکوراسیون اتاقش را عوض می کنند و برایش جشن تولدهای مفصل می گیرند. واقعیت اما پدر و مادرِ کاسب کاری است که از فروشگاه های لباس و لوازم کودکان مبالغ هنگفتی دریافت می کنند، بچه بیچاره شان را هر روز به رنگ و لعابی درمی آورند و با عکس گرفتن های متعدد در آتلیه ها خسته و کلافه اش می کنند تا عکسی که قرار است نام فروشنده به آن سنجاق شود، خوب از آب دربیاید.

اگر دوست دارید کودکتان صفحه مجازیِ خودش را داشته باشد...

یک وقت هایی هم هست که ما، پدر و مادرهایی معمولی هستیم که یک بچه معمولی داریم. یک بچه معمولی با ظاهر و لباس و روزهای معمولی که دلمان می خواهد همین خاطرات ساده کودکی اش را برای دلِ خودمان، در صفحه ای به نام خودش ثبت کنیم. چرا در دفتر خاطرات و آلبوم شخصی این کار را نمی کنیم؟ شاید به خاطر جادوی «به اشتراک گذاشتن» احساسات و «گرفتنِ بازخورد» از اطرافیانی که ممکن است تعدادشان محدود به خانواده و فامیل باشد. دوست داریم یک تصویر از جشن تولد بچه، جوانه زدن دندان های اولین، بازی و خنده و شیرین زبانی اش، نقاشی و کاردستی اش، راه افتادن و حرف زدنش، اولین روز مدرسه رفتن اش و... ثبت کنیم و بقیه را در احساسات شیرین مان شریک کنیم. در این صورت مهم است به چند نکته، به شکل ویژه توجه کنیم.

بچه را با عکس گرفتن در هر موقعیتی، خسته نکنیم

گرسنه نگه داشتن بچه، برای ثبت یک عکس تر و تمیز از میز و غذای دست نخورده یا متوقف و منتظر نگه داشتن کودک بالای سرسره، برای گرفتنِ عکسی با یک گرانِ شیک، منصفانه و اخلاقی نیست. عکس و اینستاگرام برای ثبت لحظه است، نه طراحی و ساخت لحظه با چاشنی آزار بچه ها.

بچه ها را تبدیل به بهانه چشم و هم چشمی نکنیم

بچه ها، وسیله خانه و آشپزخانه مان نیستند که مدام در ذهنمان، با بقیه مقایسه شان کنیم و اگر بچه آقا یا خانم فلانی، تپل تر، بامزه تر، مسلط تر و ماهر تر بود، به تب و تاب بیفتیم کودکمان را آپ دیت کنیم و ارتقا دهیم. عکس و پیج کودکانمان، قرار نیست به جای لذت بردن، مضطرب مان کند. این عکس ها قرار است بهانه ای باشد برای یادآوریِ موهبتِ پدر یا مادر بودن، نه احساس ناکامی از دیدن موقعیت و توانایی دیگر بچه ها.

بچه ها، دستاویز فخرفروشی ما نیستند

سر و شکل و ظاهر بچه ها، وسایل بازی، تعداد سفرهایی که رفته اند و جاهای دیدنی که تجربه کرده اند قرار نیست بهانه ای برای نمایش طبقه اجتماعی و شرایط زندگی ما باشد. بچه ها بهانه ای برای فخرفروشی ما به مردم نیستند.

نظارت کنیم و از فرصت پیش آمده، برای محکم کردن رابطه استفاده کنیم

اگر کودک به سنی رسیده که دوست دارد پیج شخصی داشته باشد، جایی برای آپلود نقاشی ها و تصاویر کاردستی هایش، مهم است که از فرصت پیش آمده برای آموزش استفاده صحیح از رسانه ها و دوستی عمیق تر با کودک مان استفاده کنیم، به او اصول تهیه یک محتوای سالم و جذاب را بیاموزیم و در عین حال پیج شخصی اش، مجوز گشت و گذارِ بی نظارت در فضای مجازی نباشد و صرفا با نظارت ما، اجازه انتشار پست از گوشی یک بزرگ تر را داشته باشد.

جدول سخت [شماره ۴۰۲]

طراح جدول: بیژن گورانی

افقی

۱- برهنه خوشحال و نخود هر آش از نام های مستعار وی بود- از مراحل سلوک عارفان- سه گانه سینمایی برادران واچوفسکی ۲- از اقمار سیاره مشتری- آماده- زبانی از خانواده زبان های هندواروپایی- پشت سر هم ۳- اتاق ریلی- شهر رصد خانه- قسمت های آغازین- مرجان ۴- پول شیلی- هنرمند- شکفته شده- نسبت دو زن با یک شوهر ۵- داستانی نوشته صادق چوبک- وزیدن باد- مسئول چاپارخانه در دوره مغول- درون چیزی ۶- دانه خوراکی غنی از پروتئین- قسمت کوچکی از خمپاره که بر اثر انفجار جدا شده باشد- عنکبوت ۷- بله آلمانی- طبقه همکف برخی ساختمان ها- بسیار بخشنده- کنایه از هر چیز عجیب و کمیاب است ۸- پرنده ای نوک دراز- پادشاه- گلن گدن- به جا آوردن ۹- چاق و فربه- سزاوار- محل استقرار حسن صباح و پیروانش- فراوان، بسیار ۱۰- یکتا- لانه پرندگان- زهری کشنده- تخم مرغ انگلیسی ۱۱- وسیله ای برای تبدیل برق موجود به برق مناسب برای دستگاه- دانشمند ایرانی و نویسنده آثار الباقیه- هدایت کننده.

عمودی

۱- واحد سنجش عدسی- اغما ۲- از قبایل قدیمی اعراب- دود کردنی برای دفع چشم زخم ۳- موتور جست وجوگر اینترنتی- فرمانده گله گرگ ها ۴- خاک سپاری- نوعی اتوبوس مسافربری- نوعی موسیقی غربی ۵- صدمتر مربع- مادربزرگ- زمان معین ۶- گلی شیپوری به رنگ های گوناگون ۷- محکم کننده پیچ- فیلمی ساخته جیمز کامرون ۸- آرشه- وحشی گری ۹- دوری از وطن- رئیس نقالان و معرکه گیران در دوره صفویه ۱۰- آش برنج- داخل شدن- ویتامین محلول در چربی ۱۱- نت چهارم- کانال تلویزیونی- زشت و مهیب ۱۲- دشنام گو- نام چندتن از پادشاهان فرانسه بود ۱۳- اشعه فرابنفش- زلزله ۱۴- ناهمخوانی- سزاوارتر ۱۵- ژنرال ژاپنی که به خاطر جنایاتش در فیلیپین محکوم و اعدام شد ۱۶- چاق و فربه- پارتیزان- همه را شامل می شود ۱۷- مدفن شیخ صدوق- نوعی اجاق برقی- درخشش ۱۸- اسب بارکش- سبب نزول رحمت الهی بر انسان می شود ۱۹- مخزن مواد گازی- رادار ۲۰- از نسل علی (ع) و فاطمه (س)- تصرف کننده سرزمین دیگران به زور و ناحق.

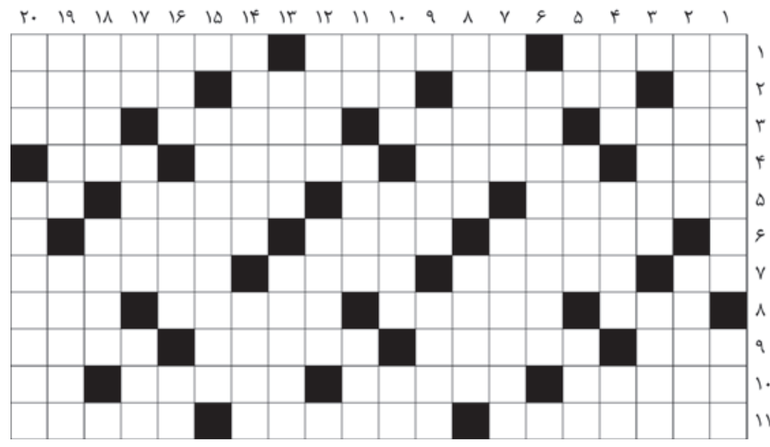

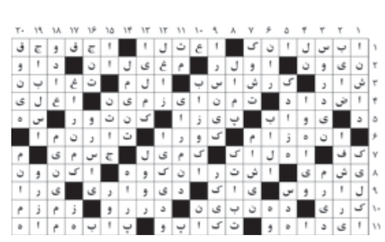

حل جدول شماره ۴۰۱

جدول متوسط [شماره ۷۱۹۲]

طراح جدول: مجید شادروح

افقی

۱- افسری که در خدمت افسر عالی رتبه باشد- منظومه هومر- نوآوری ۲- حدیث- مزد- سیاهرگ- تلاش ۳- رودآرام- عضو بالانشین- گلابی- سبز خارجی- نیز ۴- فرزندان- از توابع قزوین- روحانی زرتشتی- وسیله ای برای پرواز- لجن ۵- شانه- الفبای تلگراف- برج داستانی- شماره ۶- گازی سمّی با شعله سفید بسیار روشن که برای جوشکاری فلزات به کار می رود- هیئت دولت- آزمون ۷- خودروی ایتالیایی- اندازه- ایستگاه راه آهن- طلایه دار اعداد ۸- گره- یورش- مهره ای در شطرنج- فرومایه- جامه درویشان ۹- جانشین او- نگهبانی- باران اندک- مادر عرب- رودناشنوا ۱۰- دسته دسته- بیشه- گفتار- ویژگی محیط متخلخل برای گذر دهی ماده ۱۱- پدر اسفندیار رویین تن- درخت زینتی با برگ های مرکب ریز به رنگ سبز روشن که گل های سفید، خوشه ای و معطر دارد- چاه جهنده

عمودی

۱- مایل- بی غیرت ۲- اتمسفر- ماه هفتم سریانی- رنگ موی فوری ۳- دیار- جوهردان ۴- کیش- پایتخت او کراین- چین وشکن ۵- گوشت آذری- نگارخانه- فلز سرچشمه ۶- دشنام- نجات دهنده ۷- بخشنده- نی لبک ۸- واحد سطح- بلدرچین- پایدار ۹- اسب چاپار- صحیح وسالم- نان خشک ۱۰- تکیه برپشتی- ماه کامل- من وشما ۱۱- از اقمار مشتری- توانگر- حمار ۱۲- قلعه- جامه حمام- تیره بخت ۱۳- ستون خیمه- راهرو- گشاده ۱۴- قاضی- واحد پول کشورمان ۱۵- شاعر نوپرداز- دریا ۱۶- از پرستیدنی ها- بازسازی- خیس ۱۷- قطعه- پرده دری- دفعه ۱۸- تمام- طولانی ۱۹- بالای فرنگی- آغاز- حرف پیروزی ۲۰- قسمت- باسکول

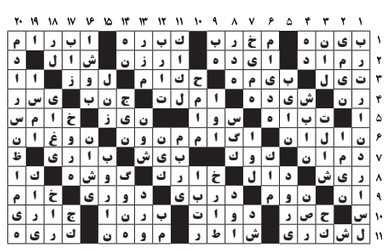

حل جدول شماره ۷۱۹۱

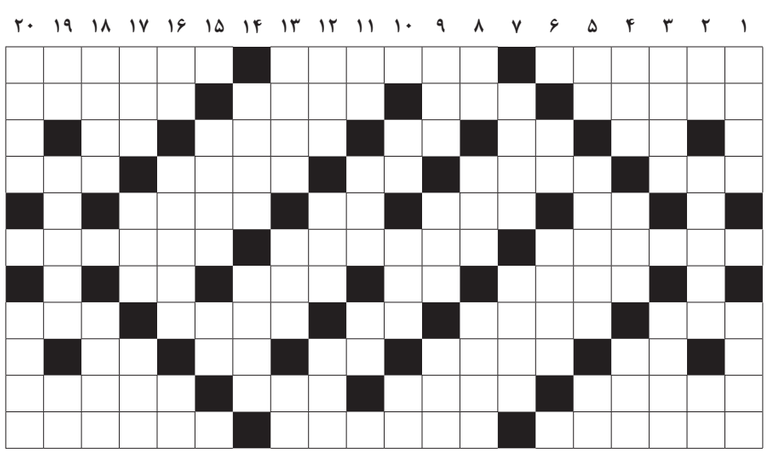

گروه صنعتی سایان
مشاور، طراح و مجری:
- سالن های فلزی سوله
- اسکلت فلزی ساختمان های طبقاتی
- انواع حرفیل سقفی
Email: sayansteel@yahoo.com
تلفن: ۳۳۴۴۳۳۳۳-۰۵۱
۹۷۰۷۷۸۰۱/م